

Submit Date: 26 May 2025
Revise Date: 13 October 2025
Accept Date: 20 October 2025
Initial Publish: 22 October 2025
Final Publish: 23 September 2026

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

A Comparative Study of Detention under Supervision in the Islamic Penal Code of Iran and the Netherlands

Somayeh Amin Afshar¹, Nader Mokhtari Afrakati^{*2}, Abdolmahdi Arabshahi Moghadam²

1. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Zah.C., Islamic Azad University, Zahedan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran

* Corresponding Author's Email: dr_mokhtariafra@theo.usb.ac.ir

ABSTRACT

Custody under supervision, as one of the most significant instruments of deprivation of liberty in criminal procedure, has long been contested for balancing public security with the protection of individual freedoms. This study adopts a comparative perspective to examine custody under supervision in Iranian and Dutch legal systems. Findings indicate that in Iran, Islamic jurisprudence and principles such as the presumption of innocence and the rule of no harm constitute the theoretical foundation, while the Code of Criminal Procedure has sought to guarantee rights such as access to counsel, the right to silence, and family notification in order to reconcile security imperatives with defendants' rights. In contrast, the Dutch legal system, rooted in liberal principles and bound by the European Convention on Human Rights, allows detention only under exceptional circumstances and ensures judicial supervision from the outset, short statutory limits, and alternatives such as bail or electronic monitoring to maximize individual liberty. Moreover, the innovative TBS measure in the Netherlands links detention with psychiatric treatment, offering a distinctive approach toward dangerous offenders. Ultimately, the comparison shows that while both jurisdictions emphasize restricting detention and preventing arbitrariness, Iran still faces challenges of enforcement and gaps between law and practice, whereas the Netherlands struggles with financial and ethical concerns related to long-term measures. The study's results provide insights for domestic reforms and greater alignment with human rights standards.

Keywords: custody under supervision, Iranian law, Dutch law, individual liberty, public security, human rights

How to cite: Amin Afshar, S., Mokhtari Afrakati, N., & Arabshahi Moghadam, A. (2026). A Comparative Study of Detention under Supervision in the Islamic Penal Code of Iran and the Netherlands. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 4(3), 1-19.



تاریخ ارسال: ۵ خرداد ۱۴۰۴
تاریخ بازنگری: ۲۱ مهر ۱۴۰۴
تاریخ پذیرش: ۲۸ مهر ۱۴۰۴
تاریخ چاپ اولیه: ۳۰ مهر ۱۴۰۴
تاریخ چاپ نهایی: ۱ مهر ۱۴۰۵

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقه

بررسی تطبیقی بازداشت تحت نظر در قانون مجازات اسلامی ایران و هلند

سمیه امین افشار^۱، نادر مختاری افراکتی^{۲*}، عبدالمهدی عربشاهی مقدم^۳

۱. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: dr_mokhtariafra@theo.usb.ac.ir

چکیده

بازداشت تحت نظر به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای سلب آزادی در فرآیند دادرسی کیفری، همواره محل مناقشه میان ضرورت تأمین امنیت اجتماعی و صیانت از آزادی‌های فردی بوده است. پژوهش حاضر با رویکردی تطبیقی، به بررسی بازداشت تحت نظر در دو نظام حقوقی ایران و هلند می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که در ایران، مبانی فقهی و اصول اسلامی همچون قاعده لاضرر و اصل برائت، چارچوب نظری این نهاد را شکل می‌دهند و قانون آیین دادرسی کیفری نیز تلاش کرده است با پیش‌بینی حقوقی نظیر حق وکیل، حق سکوت و اطلاع خانواده، موازنه‌ای میان حقوق متهم و الزامات امنیتی برقرار کند. در مقابل، نظام حقوقی هلند با تکیه بر اصول لیبرال و الزامات کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، بازداشت را تنها در شرایط استثنایی مجاز دانسته و با طراحی سازوکارهایی مانند نظارت قضایی فوری، محدودیت زمانی کوتاه و جایگزین‌هایی نظیر آزادی با وثیقه یا نظارت الکترونیکی، بیشترین تضمین را برای آزادی فردی فراهم کرده است. همچنین، نهاد نوآورانه TBS در هلند با پیوند بازداشت و درمان روان‌پزشکی، رویکردی متمایز در قبال متهمان خطرناک ارائه می‌دهد. در نهایت، مطالعه تطبیقی نشان داد که هر دو کشور بر اصل ضرورت محدودسازی بازداشت و منع خودسری تأکید دارند، اما ایران همچنان با چالش‌های اجرایی و فاصله میان قانون و عمل مواجه است، در حالی که هلند بیشتر با دغدغه‌های مالی و اخلاقی مرتبط با تدابیر بلندمدت مواجه می‌باشد. نتایج این مطالعه می‌تواند در جهت اصلاح قوانین داخلی و انطباق بیشتر با استانداردهای حقوق بشری مفید واقع شود.

کلیدواژگان: بازداشت تحت نظر، حقوق ایران، حقوق هلند، آزادی فردی، امنیت اجتماعی، حقوق بشر

نحوه استناددهی: امین افشار، سمیه. مختاری افراکتی، نادر. و عربشاهی مقدم، عبدالمهدی. (۱۴۰۵). بررسی تطبیقی بازداشت تحت نظر در قانون مجازات اسلامی ایران و هلند. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۴(۳)، ۱-۱۹.



مقدمه

آزادی و امنیت فردی از بنیادی‌ترین حقوق بشری محسوب می‌شود که در طول تاریخ همواره مورد توجه اندیشمندان حقوقی و سیاست‌گذاران بوده است. در اسناد بین‌المللی مهمی همچون میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، اصل بر آزادی افراد نهاده شده و هرگونه محدودسازی این حق اساسی باید صرفاً به موجب قانون و تحت شرایط خاصی اعمال شود (Kilkelly, 2003). اهمیت آزادی به اندازه‌ای است که بسیاری از متفکران آن را زیربنای سایر حقوق بشر دانسته‌اند و معتقدند فقدان امنیت فردی، امکان بهره‌مندی از دیگر حقوق اساسی همچون حق محاکمه عادلانه و آزادی بیان را سلب می‌کند (Ashworth, 2010). در نظام‌های حقوقی مختلف نیز همواره تلاش شده است میان حق آزادی افراد و ضرورت تأمین امنیت عمومی نوعی تعادل ایجاد گردد، زیرا هر دو عنصر در کنار یکدیگر ضامن ثبات اجتماعی و عدالت کیفری هستند (Fenwick, 2002).

بازداشت تحت نظر به عنوان یکی از مهم‌ترین جلوه‌های سلب آزادی فردی، جایگاه ویژه‌ای در فرآیند دادرسی کیفری دارد. این نهاد به معنای نگهداری موقت متهم توسط ضابطان دادگستری یا پلیس به منظور انجام تحقیقات مقدماتی و جمع‌آوری ادله ارتکاب جرم تعریف می‌شود (Khaleghi, 2013). در واقع تحت نظر قرار گرفتن شخص مظنون مرحله‌ای میان دستگیری و بازداشت موقت محسوب می‌شود و به ضابطان امکان می‌دهد تا پیش از صدور قرار تأمین توسط مقام قضایی، تحقیقات ضروری را انجام دهند (Ashuri, 2010). با این حال، این اقدام به دلیل ماهیت سالب آزادی خود، باید با محدودیت زمانی و شرایط قانونی خاص همراه باشد تا از نقض حقوق متهم جلوگیری شود (Heidari, 2015). در غیر این صورت، بازداشت تحت نظر می‌تواند به بازداشت خودسرانه منتهی شده و مغایر با اصول دادرسی عادلانه تلقی گردد (Harding, 1992).

جایگاه بازداشت تحت نظر در نظام حقوقی ایران با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ دچار تحول شد. در این قانون، برای نخستین بار حقوق دفاعی گسترده‌تری همچون حق دسترسی فوری به وکیل، حق سکوت و حق اطلاع خانواده به‌طور صریح در مرحله تحت نظر پیش‌بینی گردید (Habibzadeh, 2013). پیش از آن، قوانین موجود حمایت‌های چندانی از حقوق متهم در این مرحله ارائه نمی‌کردند و همین امر موجب انتقادات فراوانی در ادبیات حقوقی شده بود (Mohammadi, 2008). در مقابل، در نظام حقوقی هلند، نهاد بازداشت تحت نظر از سال‌ها پیش به عنوان بخشی از فرآیند دادرسی کیفری نهادینه شده و تحت عنوان بازداشت تحت دستور امانت یا TBS شناخته می‌شود که علاوه بر تأمین امنیت عمومی، بر مداخلات درمانی نیز تمرکز دارد (Beijer & van Swaaningen, 2011). همین تفاوت‌ها اهمیت مقایسه این دو نظام حقوقی را آشکار می‌سازد، زیرا نشان می‌دهد هر نظام حقوقی چگونه تلاش کرده است میان ضرورت‌های کیفری و تضمین آزادی‌های فردی تعادل برقرار کند (van Kempen, 2014).

انتخاب ایران و هلند برای مطالعه تطبیقی در زمینه بازداشت تحت نظر دارای چند دلیل اساسی است. نخست آنکه ایران با نظام حقوقی مبتنی بر فقه اسلامی و آموزه‌های شرعی، رویکردی خاص به مقوله سلب آزادی دارد و همواره تلاش کرده است تا این محدودیت‌ها با اصول فقهی همچون اصل برائت و ضرورت جلوگیری از ظلم سازگار باشد (Jafari & Asadi, 2018). در مقابل، هلند به عنوان کشوری عضو اتحادیه اروپا و پایبند به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، نظامی سکولار و مبتنی بر رویکردهای لیبرال به حقوق کیفری دارد (European Court of Human Rights, 2012). دوم آنکه، در ایران نهاد بازداشت تحت نظر بیشتر جنبه انتظامی و امنیتی دارد، در حالی که در هلند، این نهاد علاوه بر جنبه کیفری، کارکردی درمانی نیز یافته و برای

افرادی که از مشکلات روانی رنج می‌برند مورد استفاده قرار می‌گیرد (Clark, 2004). سومین دلیل انتخاب این دو کشور تفاوت در بافت فرهنگی و اجتماعی آنها است که می‌تواند نشان دهد چگونه زمینه‌های فرهنگی و تاریخی بر طراحی قواعد دادرسی کیفری تأثیر می‌گذارند (Damaska, 1997).

پیشینه پژوهش‌های تطبیقی در این حوزه نشان می‌دهد که همواره دغدغه اصلی پژوهشگران، یافتن راهکاری برای ایجاد توازن میان آزادی فردی و امنیت عمومی بوده است. برای مثال، در یک مطالعه تطبیقی میان ایران و فرانسه، محققان نشان دادند که بازداشت موقت و تحت نظر در هر دو نظام با محدودیت‌های قانونی همراه است، اما در فرانسه نظارت قضایی و سازوکارهای اعتراضی قوی‌تری وجود دارد (Dehghan, 2017). در پژوهشی دیگر که به مقایسه حقوق متهم در ایران و آمریکا پرداخته شد، تأکید شد که دسترسی سریع به وکیل در مرحله تحت نظر مهم‌ترین تضمین برای جلوگیری از نقض حقوق متهم است (Heidari, 2015). همچنین برخی پژوهش‌ها بر این نکته تأکید کرده‌اند که قوانین ایران در زمینه بازداشت تحت نظر با وجود اصلاحات اخیر همچنان با معیارهای بین‌المللی حقوق بشر فاصله دارد (Mozenzadegan, 2001). در مقابل، نظام‌های اروپایی با بهره‌گیری از تجربه دادگاه اروپایی حقوق بشر و تفاسیر آن از ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، معیارهای سخت‌گیرانه‌تری برای بازداشت تحت نظر وضع کرده‌اند (Kilkelly, 2003).

بازداشت تحت نظر در نظام حقوقی ایران با مفاهیمی چون نگهداری موقت، تحت الحفظ بودن و بازداشت موقت پیوند خورده است (Ashuri, 2010). این پیوند مفهومی نشان می‌دهد که قانونگذار ایرانی هنوز در مرزبندی میان اشکال مختلف سلب آزادی با چالش مواجه است و همین امر می‌تواند زمینه‌ساز تداخل‌های اجرایی و نقض حقوق متهمان شود (Tadayyon, 2015). در مقابل، در حقوق هلند، تفکیک میان بازداشت‌های

مختلف به‌طور دقیق انجام گرفته و برای هر مرحله از بازداشت، ضمانت اجرای قانونی مشخصی پیش‌بینی شده است (Hodgson, 2005). علاوه بر این، در هلند جایگزین‌هایی همچون آزادی مشروط، نظارت الکترونیکی و درمان اجباری نیز در کنار بازداشت تحت نظر وجود دارد که انعطاف‌پذیری نظام کیفری را افزایش می‌دهد (Klaming & Giesen, 2009).

اهمیت پژوهش حاضر در آن است که می‌کوشد با مطالعه تطبیقی، شباهت‌ها و تفاوت‌های دو نظام حقوقی ایران و هلند را در خصوص بازداشت تحت نظر شناسایی کند. از منظر نظری، این پژوهش می‌تواند به غنای ادبیات حقوقی ایران در حوزه دادرسی کیفری کمک کند و از منظر عملی نیز پیشنهادهایی برای اصلاح قوانین ارائه دهد. به ویژه در شرایطی که انتقادات داخلی و بین‌المللی نسبت به طولانی شدن مدت بازداشت‌ها و نقض حقوق متهمان در ایران مطرح می‌شود (Amani, 2003). در همین راستا، بررسی نظام حقوقی هلند که از منظر سازمان‌های بین‌المللی یکی از نظام‌های پیشرفته در تضمین حقوق متهم شناخته می‌شود (Ashworth, 2010)، می‌تواند الگویی برای اصلاحات در قوانین ایران فراهم آورد.

مطالعه تطبیقی همچنین این امکان را ایجاد می‌کند که پژوهشگر فراتر از چارچوب‌های سنتی حقوق داخلی، به ابعاد بین‌المللی موضوع نیز توجه کند. برای مثال، دادگاه اروپایی حقوق بشر بارها بر لزوم محدود بودن مدت بازداشت تحت نظر و ضرورت نظارت قضایی مؤثر تأکید کرده است (European Court of Human Rights, 2012). این تأکید می‌تواند الهام‌بخش اصلاح قوانین داخلی ایران باشد، به ویژه آنکه در برخی موارد دستور بازداشت تحت نظر در ایران قابل اعتراض نیست و همین امر زمینه نقض اصول دادرسی عادلانه را فراهم می‌کند (Tadayyon & Moradi, 2015).

«حکم» قرار می‌گیرند؛ یعنی در حالی که حکم واجد جنبه قاطع دعواست، قرار غالباً جنبه شکلی و موقت دارد و به منظور پیشبرد فرآیند دادرسی صادر می‌شود (Tadayyon & Moradi, 2015). قانون آیین دادرسی کیفری ایران با تفکیک میان قرارهای مختلف، تلاش کرده است تا از یک سو حق دفاع متهم حفظ شود و از سوی دیگر، ابزارهای لازم برای تضمین کشف حقیقت در اختیار دادرس قرار گیرد (Khaleghi, 2013).

«بازداشت» در لغت به معنای جلوگیری، حبس و سلب آزادی است و در اصطلاح حقوقی به اقدام رسمی مقامات صلاحیت‌دار برای محروم کردن موقت فرد از آزادی اطلاق می‌شود (Ardabili, 2004). بازداشت از جمله تدابیری است که تأثیر عمیقی بر حقوق اساسی فرد می‌گذارد، زیرا حق بنیادین آزادی را به طور مستقیم محدود می‌سازد (Ashworth, 2010). از دیدگاه دادرسی کیفری، بازداشت می‌تواند در مراحل مختلف جریان کیفری رخ دهد؛ در مرحله کشف جرم به صورت تحت نظر بودن، و در مرحله پس از صدور قرار تأمین به شکل بازداشت موقت (Habibzadeh, 2013). تمایز میان این دو وضعیت برای رعایت حقوق متهم و جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت قضایی و انتظامی اهمیت اساسی دارد (Heidari, 2015).

مفهوم «تحت نظر» در نظام حقوقی ایران ناظر به وضعیتی است که فرد مظنون توسط ضابطان دادگستری برای مدتی محدود و به منظور انجام تحقیقات مقدماتی در اختیار آنان قرار می‌گیرد (Mohammadi, 2008). این وضعیت پیش از آن‌که مقام قضایی تصمیم نهایی درباره صدور قرار بازداشت موقت بگیرد، تحقق می‌یابد و به همین دلیل باید کاملاً موقتی و با شرایط سخت‌گیرانه همراه باشد (Tadayyon, 2015). تمایز اساسی میان تحت نظر بودن و بازداشت موقت در این است که بازداشت موقت تنها به دستور مقام قضایی و برای مدت مشخصی صادر می‌شود، در حالی که تحت نظر بودن عمده‌تاً با دستور ضابطان و

پژوهش حاضر همچنین از منظر روش‌شناسی بر اهمیت مطالعات تطبیقی تأکید دارد. حقوق کیفری به دلیل ماهیت پویا و وابستگی آن به تحولات اجتماعی و فرهنگی، همواره نیازمند بازاندیشی است. تجربه‌های سایر کشورها می‌تواند نشان دهد که چگونه باید میان حقوق فردی و مصالح عمومی تعادل برقرار کرد (Duff et al., 2007). از این منظر، هلند به دلیل سابقه طولانی در بهره‌گیری از راهکارهای جایگزین بازداشت و نیز ارتباط نزدیک با نهادهای اروپایی، نمونه‌ای ارزشمند برای مقایسه محسوب می‌شود (van Kempen, 2014).

بر اساس آنچه گفته شد، پرسش اصلی این پژوهش آن است که بازداشت تحت نظر در قانون مجازات اسلامی ایران و نهاد مشابه آن در قانون کیفری هلند چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارد. در چارچوب این پرسش، فرضیه‌ای که مطرح می‌شود این است که بازداشت تحت نظر در هر دو نظام حقوقی از نظر مبانی و جایگاه حقوقی شباهت‌هایی نشان می‌دهد، اما در زمینه حقوق متهم و شیوه اجرا تفاوت‌های معناداری وجود دارد. هدف نهایی پژوهش، تبیین این شباهت‌ها و تفاوت‌ها و ارائه راهکارهایی برای ارتقای نظام حقوقی ایران است تا بتواند همگام با استانداردهای حقوق بشری و در عین حال منطبق با اصول اسلامی، به تعادل میان آزادی فردی و امنیت اجتماعی دست یابد.

مبانی نظری و مفهومی

در آیین دادرسی کیفری اصطلاح «قرار» جایگاه ویژه‌ای دارد و به تصمیماتی اطلاق می‌شود که مقام قضایی در طول رسیدگی اتخاذ می‌کند و به موجب آن وضعیت متهم یا جریان دادرسی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. قرارها بر اساس ماهیت و آثارشان به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند؛ از جمله قرارهای نهایی که موجب خاتمه دادرسی می‌شوند و قرارهای تأمین که هدف از آن‌ها تضمین حضور متهم در مراحل بعدی رسیدگی است (Ashuri, 2010). در ادبیات حقوقی ایران، قرارها به لحاظ ماهیت الزام‌آور بودن، در مقابل

تحت نظارت مقام قضایی شکل می‌گیرد (Dehghan, 2017). همین ویژگی موجب شده است که مرحله تحت نظر در بسیاری از نظام‌های حقوقی به عنوان یکی از حساس‌ترین مقاطع دادرسی کیفری شناخته شود (Harding, 1992).

مبانی فقهی بازداشت موقت در حقوق اسلامی از اصول مهمی چون اصل براءت و ضرورت جلوگیری از فساد اجتماعی نشئت می‌گیرد. فقها عموماً معتقدند که سلب آزادی افراد باید به حداقل ممکن تقلیل یابد، مگر در مواردی که ادامه آزادی آنان به طور مستقیم تهدیدی برای امنیت عمومی یا نظم اجتماعی باشد (Jafari & Asadi, 2018). بر این اساس، قاعده «لاضرر» و اصل «حفظ نظام» در فقه امامیه مستند اصلی برای توجیه بازداشت موقت تلقی شده است (Tabasi, 2003). از منظر فقهی، هرگونه بازداشت باید با رعایت عدالت و تحت نظارت حاکم شرع باشد و نمی‌توان آن را به اراده ضابطان یا اشخاص فاقد صلاحیت سپرد (Tabatabaei Motameni, 1996). این رویکرد نشان می‌دهد که در حقوق اسلامی، بازداشت بیش از آنکه یک اقدام انتظامی صرف باشد، دارای مبانی اخلاقی و شرعی است و همواره باید با ضرورت‌های شرعی توجیه شود (Amani, 2003).

در اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیز بازداشت موقت و تحت نظر بودن به صورت محدود و استثنایی پذیرفته شده است. ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تصریح می‌کند که هیچ‌کس را نمی‌توان خودسرانه از آزادی محروم کرد مگر به موجب قانون و تحت شرایط خاصی که در آن قید شده است (Kilkelly, 2003). دادگاه اروپایی حقوق بشر بارها بر این نکته تأکید کرده است که هرگونه بازداشت باید با دلایل معقول و ضرورت‌های قانونی همراه باشد و شخص بازداشت‌شده باید در اسرع وقت در برابر مقام قضایی حاضر شود (European Court of Human Rights, 2012). در همین راستا، حقوق تطبیقی نیز نشان می‌دهد که بسیاری از کشورها به دنبال آن بوده‌اند که با

پیش‌بینی سازوکارهای نظارتی و تضمین‌های قضایی، از خودسرانه بودن بازداشت‌ها جلوگیری کنند (Clark, 2004). برای مثال، در هلند بازداشت تحت نظر صرفاً در مواردی که شواهد کافی علیه متهم وجود داشته باشد و مدت آن نیز بسیار محدود است، قابل اعمال است (Beijer & van Swaaningen, 2011). این محدودیت‌ها با هدف جلوگیری از نقض آزادی‌های بنیادین و ایجاد تعادل میان حقوق فردی و امنیت اجتماعی طراحی شده‌اند (van Kempen, 2014).

در قوانین بین‌المللی علاوه بر الزام به قانونی بودن بازداشت، بر حق اعتراض متهم به بازداشت نیز تأکید شده است. فرد بازداشت‌شده باید امکان مراجعه به یک مرجع قضایی مستقل را داشته باشد تا مشروعیت بازداشت او بررسی شود (Zappalà, 2003). چنین حقی از ارکان اساسی دادرسی عادلانه است و در بسیاری از اسناد بین‌المللی همچون میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد تأکید قرار گرفته است (Fenwick, 2002). همچنین، اصل تناسب یکی دیگر از اصول بنیادین در حقوق بین‌الملل کیفری است که ایجاب می‌کند بازداشت تنها در صورتی اعمال شود که هیچ جایگزین خفیف‌تری قادر به تأمین اهداف دادرسی نباشد (Roberts & Zuckerman, 2010).

محدودیت‌های بازداشت و حقوق دفاعی متهم در مرحله تحت نظر از جمله مهم‌ترین ابزارهای حمایت از آزادی فردی محسوب می‌شوند. یکی از این حقوق، حق سکوت است که به متهم اجازه می‌دهد در برابر پرسش‌های ضابطان پاسخ ندهد و خود را ملزم به اعتراف نسازد (Duff et al., 2007). این حق به عنوان سپری در برابر فشارهای روانی و جسمی عمل می‌کند و مانع از آن می‌شود که اعتراف اجباری مبنای حکم قرار گیرد (Damaska, 1997). حق دیگر، دسترسی فوری به وکیل است که از مهم‌ترین تضمین‌های حقوق دفاعی به شمار می‌رود. حضور وکیل در مرحله تحت نظر موجب می‌شود تا ضابطان نتوانند فراتر از حدود قانونی

اساسی دارد. اصل ۳۲ قانون اساسی تصریح می‌کند که هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند و در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید بلافاصله به فرد اعلام شود (Tabatabaei Motameni, 1996). این اصل، منع بازداشت‌های خودسرانه و لزوم اطلاع‌رسانی به متهم را تضمین می‌کند و به عنوان سنگ بنای آزادی‌های عمومی شناخته می‌شود. همچنین اصل ۳۶ بر قانونی بودن حکم و مجازات تأکید کرده و اصل ۳۷ بر اصل برائت دلالت دارد که همگی در کنار هم چارچوبی برای حمایت از امنیت فردی فراهم می‌آورند (Habibzadeh, 2013). قوانین کیفری نیز با تبعیت از این اصول، بر ضرورت محدود کردن بازداشت به موارد استثنایی و ضرورت مداخله مقام قضایی برای مشروعیت‌بخشی به این اقدام تأکید کرده‌اند (Ashuri, 2010).

بازداشت تحت نظر در آیین دادرسی کیفری ایران جایگاهی ویژه دارد، زیرا مرحله‌ای حساس میان دستگیری و صدور قرار تأمین محسوب می‌شود. در این مرحله، ضابطان دادگستری اختیار دارند که متهم را برای مدت کوتاهی نزد خود نگه دارند تا تحقیقات مقدماتی و جمع‌آوری دلایل انجام شود (Mohammadi, 2008). در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، برای نخستین بار مقرراتی شفاف در خصوص بازداشت تحت نظر پیش‌بینی شد. به موجب این قانون، هرگونه بازداشت باید در دفاتر خاصی ثبت شود و حقوق متهم از جمله حق دسترسی به وکیل و اطلاع خانواده تضمین گردد (Tadayyon, 2015). این تغییرات، پاسخی به انتقاداتی بود که در دوره‌های قبل نسبت به خلأ قانونی و سوءاستفاده‌های احتمالی مطرح شده بود (Heidari, 2015).

بازداشت در نظام حقوقی ایران به چند نوع تقسیم می‌شود. بازداشت موقت که با دستور مقام قضایی صادر می‌شود و جنبه پیشگیرانه و تضمینی دارد (Amani, 2003). بازداشت اختیاری که در شرایط خاص و به اختیار مقام قضایی به کار گرفته می‌شود

عمل کنند و حقوق متهم محفوظ بماند (Heidari, 2015). در نظام حقوقی ایران، قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به طور صریح بر این حق تأکید کرده و مقرر داشته است که متهم باید از بدو بازداشت امکان ملاقات با وکیل داشته باشد (Habibzadeh, 2013).

از دیگر حقوق متهم در دوران تحت نظر، حق اطلاع خانواده است. این حق بدین معناست که به محض بازداشت متهم، باید خانواده یا نزدیکان او از این وضعیت مطلع شوند (Mohammadi, 2008). چنین حقی مانع از آن می‌شود که افراد به طور مخفیانه بازداشت شوند و خانواده آنان از وضعیتشان بی‌خبر بمانند. همچنین، معاینه پزشکی متهم یکی از تضمین‌های دیگر در مرحله تحت نظر است که به ویژه در جلوگیری از شکنجه و رفتار غیرانسانی اهمیت دارد (Ashuri & Sepehri, 2015). معاینه پزشکی علاوه بر صیانت از سلامت متهم، ابزار مهمی برای نظارت قضایی بر عملکرد ضابطان محسوب می‌شود (Bradley, 2015). در مجموع می‌توان گفت که مبانی نظری و مفهومی بازداشت تحت نظر و بازداشت موقت ترکیبی از اصول داخلی، فقهی و بین‌المللی است. در نظام حقوقی ایران، این نهادها با تکیه بر مبانی فقهی و با هدف تأمین امنیت اجتماعی توجیه می‌شوند، اما همواره باید در چارچوب اصول شرعی و قانونی اعمال شوند (Tabasi, 2003). در سطح بین‌المللی نیز بازداشت صرفاً به عنوان آخرین راه‌حل و در شرایط استثنایی پذیرفته می‌شود (Harding, 1992). بنابراین، حفظ تعادل میان ضرورت‌های کیفری و احترام به آزادی‌های فردی، بنیان اصلی این نهادها را تشکیل می‌دهد و بررسی تطبیقی میان ایران و هلند می‌تواند ابعاد تازه‌ای از این تعادل را آشکار سازد.

بازداشت تحت نظر در حقوق ایران

اصل آزادی و امنیت فردی در نظام حقوقی ایران از جایگاهی بنیادین برخوردار است و ریشه در هر دو منبع فقهی و قانون

و غالباً برای تضمین حضور متهم یا جلوگیری از تبانی است (Dehghan, 2017). بازداشت اجباری که قانونگذار در مواردی خاص صدور آن را الزامی دانسته است و مقام قضایی ناگزیر از اعمال آن است (Ardabili, 2004). این تقسیم‌بندی بیانگر تلاش قانونگذار برای ایجاد تعادل میان ضرورت‌های تعقیب کیفری و حفظ حقوق متهم است (Ashworth, 2010).

مراجع صالح برای صدور دستور بازداشت تحت نظر در ایران شامل ضابطان دادگستری، دادسرا و دادگاه‌ها هستند. ضابطان دادگستری در صورت مشاهده جرم مشهود یا دلایل کافی برای مظنون بودن فرد می‌توانند دستور تحت نظر صادر کنند (Khaleghi, 2013). با این حال، این اختیار باید بلافاصله تحت نظارت دادستان قرار گیرد تا از خودسرانه بودن اقدام جلوگیری شود (Ashuri & Sepehri, 2015). دادسرا به عنوان مرجع اصلی نظارت بر تحقیقات مقدماتی، نقش مهمی در تأیید یا رد استمرار بازداشت دارد (Tadayyon & Moradi, 2015). دادگاه‌ها نیز در مواردی که بازداشت به مرحله بازداشت موقت ارتقا پیدا کند، صلاحیت صدور دستور را بر عهده دارند (Jafari & Asadi, 2018).

شرایط و مدت بازداشت تحت نظر در قوانین ایران به طور دقیق تعیین شده است. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مقرر کرده است که مدت تحت نظر نباید از ۲۴ ساعت تجاوز کند مگر با اجازه مقام قضایی (Habibzadeh, 2013). تمدید این مدت نیز صرفاً در شرایط استثنایی و با نظارت دادستان امکان‌پذیر است (Mohammadi, 2008). این محدودیت زمانی برای جلوگیری از بازداشت‌های طولانی و بی‌ضابطه طراحی شده است و در هماهنگی با معیارهای بین‌المللی قرار دارد (Harding, 1992). با این وجود، برخی گزارش‌ها نشان داده‌اند که در عمل گاه این محدودیت‌ها نقض می‌شود و متهمان مدت بیشتری در بازداشت می‌مانند (Mozenzadegan, 2001).

ضمانت اجرای تخلفات ضابطان و قضات در زمینه بازداشت غیرقانونی یکی از موضوعات مهم در حقوق ایران است. قانونگذار برای جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت، ضمانت اجرایی همچون بطلان تحقیقات، مسئولیت انتظامی و حتی مسئولیت کیفری برای ضابطان و قضاتی که خارج از حدود قانونی اقدام به بازداشت می‌کنند پیش‌بینی کرده است (Ashuri, 2010). علاوه بر این، متهمی که به صورت غیرقانونی بازداشت شده باشد، حق مطالبه خسارت دارد که خود نوعی ضمانت اجرا برای رعایت حقوق متهم محسوب می‌شود (Amani, 2003). چنین سازوکاری با اصول فقهی مانند قاعده لاضرر و اصل عدالت نیز همخوانی دارد (Tabasi, 2003).

حقوق متهم در مرحله بازداشت و تحت نظر بودن یکی از مهم‌ترین موضوعات اصلاحات قانونی در سال‌های اخیر بوده است. از جمله این حقوق می‌توان به حق سکوت اشاره کرد که به متهم اجازه می‌دهد از پاسخ به پرسش‌های ضابطان خودداری کند و مانع از شکل‌گیری اعترافات اجباری شود (Duff et al., 2007). حق دسترسی به وکیل نیز تضمینی حیاتی برای حمایت از متهم است. طبق قانون جدید، متهم از بدو بازداشت می‌تواند از خدمات وکیل بهره‌مند شود و این امر ضابطان را ملزم می‌سازد که اطلاعات لازم را در اختیار او قرار دهند (Heidari, 2015). همچنین حق اطلاع خانواده که متضمن شفافیت فرایند بازداشت است و حق برخورداری از معاینه پزشکی برای حفظ سلامت جسمی و روانی متهم از دیگر تضمین‌های قانونی به شمار می‌آید (Bradley, 2015).

نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در حوزه بازداشت قابل توجه است. این قانون برای نخستین بار ثبت الکترونیکی وضعیت تحت نظر را الزامی کرد و مقرر داشت که هرگونه بازداشت باید در سامانه‌های مربوطه ثبت شود تا امکان نظارت مؤثر فراهم گردد (Ashuri & Sepehri, 2015). علاوه بر آن،

آزادی و امنیت فردی که در قانون اساسی و فقه اسلامی ریشه دارد، به طور کامل محقق شود.

بازداشت تحت نظر در حقوق هلند

بررسی پیشینه تاریخی بازداشت در نظام حقوقی هلند نشان می‌دهد که این کشور به دلیل موقعیت جغرافیایی و نقش دیرینه در مبادلات بین‌المللی، همواره درگیر تحولات حقوق کیفری اروپایی بوده است. در قرون گذشته، بازداشت در هلند مانند بسیاری از کشورهای اروپایی بیشتر ابزاری برای اعمال قدرت حکومتی و حفظ نظم اجتماعی محسوب می‌شد و کمتر به حقوق متهم توجه می‌گردید (Harding, 1992). با این حال، از قرن بیستم به بعد، به ویژه پس از جنگ جهانی دوم و الحاق به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، رویکردی نوین در قوانین کیفری هلند شکل گرفت که بر رعایت آزادی فردی و کنترل قضایی بر بازداشت تأکید داشت (European Court of Human Rights, 2012). این تحول موجب شد که بازداشت تحت نظر در نظام حقوقی هلند نه صرفاً به عنوان ابزار انتظامی بلکه به عنوان نهادی حقوقی با چارچوب مشخص قانونی مطرح گردد (Beijer & van Swaaningen, 2011).

قوانین داخلی هلند در خصوص بازداشت تحت نظر به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که همسو با مقررات اتحادیه اروپا باشند. به موجب قوانین کیفری این کشور، بازداشت تنها در صورتی مجاز است که دلایل کافی برای ظن قوی به ارتکاب جرم وجود داشته باشد و این دلایل توسط مراجع قضایی ارزیابی شوند (van Kempen, 2014). افزون بر آن، مقررات اتحادیه اروپا، به ویژه دستورالعمل‌های مربوط به دادرسی منصفانه و حقوق متهم، چارچوبی الزام‌آور برای تمامی کشورهای عضو از جمله هلند فراهم کرده‌اند (Kilkelly, 2003). در نتیجه، نظام بازداشت در هلند در هم‌افزایی میان حقوق داخلی و الزامات بین‌المللی شکل

حق ملاقات با وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی به رسمیت شناخته شد و ضمانت اجرایی برای نقض این حق پیش‌بینی گردید (Habibzadeh, 2013). قانون جدید همچنین با تفکیک دقیق میان بازداشت موقت و تحت نظر بودن، تلاش کرد تا از تداخل مفهومی و سوءبرداشت جلوگیری کند (Tadayyon, 2015). این اصلاحات به نوعی گامی در جهت همسویی بیشتر با استانداردهای بین‌المللی تلقی می‌شود (European Court of Human Rights, 2012).

مطالبه خسارت ناشی از بازداشت غیرقانونی یا موقت یکی از موضوعات چالش‌برانگیز در حقوق ایران است. بر اساس قوانین موجود، هر فردی که بدون دلیل قانونی یا برخلاف ضوابط مقرر بازداشت شود، حق دارد خسارات مادی و معنوی وارده را از طریق دادگاه مطالبه کند (Zappalà, 2003). این حق در هماهنگی با اسناد بین‌المللی همچون ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی است که دولت‌ها را مکلف می‌سازد تا جبران خسارت افراد بازداشت‌شده به طور غیرقانونی را تضمین کنند (Fenwick, 2002). در نظام حقوقی ایران نیز این سازوکار نه تنها به عنوان ابزاری برای جبران خسارت فرد، بلکه به عنوان ابزاری بازدارنده برای مقامات محسوب می‌شود تا در اجرای وظایف خود با دقت و در چارچوب قانون عمل کنند (Damaska, 1997).

بررسی مجموعه مقررات و رویه‌های مرتبط با بازداشت تحت نظر در حقوق ایران نشان می‌دهد که هرچند اصلاحات اخیر گامی رو به جلو بوده است، اما همچنان چالش‌هایی وجود دارد. از جمله این چالش‌ها می‌توان به طولانی شدن فرآیند تحت نظر در برخی موارد، محدودیت عملی در دسترسی سریع به وکیل، و ضعف در اعمال ضمانت اجرای تخلفات اشاره کرد (Beijer & van Swaaningen, 2011). این کاستی‌ها ضرورت بازنگری و اجرای دقیق‌تر مقررات موجود را نشان می‌دهد تا اصول بنیادین

گرفته و به الگویی برای کشورهای اروپایی دیگر تبدیل شده است (Clark, 2004).

دلایل بازداشت در نظام حقوقی هلند بر مبنای دو معیار اساسی استوار است: نخست، وجود دلایل کافی برای ارتکاب جرم توسط مظنون و دوم، ضرورت بازداشت برای حفظ امنیت عمومی یا جلوگیری از تبانی و فرار (Ashworth, 2010). کیفیت بازداشت نیز تابع اصل تناسب است؛ به این معنا که دادگاه موظف است همواره بررسی کند آیا بازداشت شدیدترین ابزار ممکن است یا می‌توان از جایگزین‌های کم‌خطرتر استفاده کرد (Roberts & Zuckerman, 2010). این اصل که در رویه قضایی هلند و دادگاه اروپایی حقوق بشر بارها مورد تأکید قرار گرفته است، تضمینی برای جلوگیری از بازداشت‌های غیرضروری و خودسرانه محسوب می‌شود (Fenwick, 2002).

مدت زمان بازداشت در هلند به طور دقیق توسط قانون مشخص شده است. در مرحله نخست، فرد می‌تواند حداکثر ۶ ساعت برای بازجویی نزد پلیس تحت نظر باشد و این مدت تنها برای جرایم سنگین تا ۹ ساعت قابل تمدید است (Beijer & van Swaaningen, 2011). پس از آن، در صورت ضرورت ادامه بازداشت، مقام قضایی باید در مدت ۳ روز و ۱۵ ساعت تصمیم به تمدید یا آزادی متهم بگیرد (van Kempen, 2014). این محدودیت زمانی به گونه‌ای طراحی شده است که متهم بدون نظارت قضایی طولانی‌مدت در اختیار پلیس قرار نگیرد (Bradley, 2015). علاوه بر این، قانون مقرر کرده است که تمدیدهای بعدی باید با دلایل قوی‌تر همراه باشد و هر بار دادگاه موظف است ضرورت استمرار بازداشت را احراز کند (Ashuri, 2010).

شرایط بازداشت در هلند نیز به شدت تحت نظارت قضایی قرار دارد. برای مثال، بازداشت تنها در بازداشتگاه‌های رسمی و با رعایت استانداردهای بهداشتی و حقوق بشری امکان‌پذیر است

(Damaska, 1997). همچنین، متهم از لحظه بازداشت حق دارد با وکیل خود ملاقات کند و خانواده‌اش از وضعیت او مطلع شوند (Heidari, 2015). این شرایط نشان می‌دهد که قانونگذار هلندی با الهام از حقوق بشر اروپایی، تلاش کرده است تا بازداشت صرفاً در خدمت دادرسی باشد و به ابزاری برای فشار بر متهم تبدیل نشود (Duff et al., 2007).

جایگزین‌های بازداشت در نظام حقوقی هلند نقش مهمی در کاهش استفاده از این نهاد دارند. از جمله این جایگزین‌ها می‌توان به آزادی تحت نظارت قضایی، آزادی با وثیقه، نظارت الکترونیکی و الزام به شرکت در برنامه‌های درمانی یا آموزشی اشاره کرد (Klaming & Giesen, 2009). این تدابیر به دادگاه امکان می‌دهد تا متهمان غیرخطرناک را بدون بازداشت از نزدیک تحت نظر داشته باشد و در عین حال از آسیب‌های اجتماعی بازداشت بی‌مورد جلوگیری کند (Ashuri & Sepehri, 2015). در حقیقت، تنوع جایگزین‌ها نشانگر انعطاف‌پذیری نظام کیفری هلند در مدیریت پرونده‌های کیفری است و می‌تواند الگویی برای کشورهای باشد که با مشکل تراکم بازداشتگاه‌ها و نقض حقوق متهم روبه‌رو هستند (Dehghan, 2017).

یکی از ویژگی‌های بارز حقوق کیفری هلند، نهاد «بازداشت تحت دستور امانت» یا TBS است که با هدف درمان و بازپروری افراد خطرناک به کار گرفته می‌شود (Beijer & van Swaaningen, 2011). این نوع بازداشت تفاوت اساسی با بازداشت‌های معمول دارد، زیرا تمرکز آن نه صرفاً بر جنبه کیفری، بلکه بر اصلاح و درمان فرد است (Clark, 2004). دادگاه‌ها اختیار دارند در مواردی که متهم دچار اختلال روانی یا بیماری خطرناک باشد و آزادی او تهدیدی جدی برای جامعه محسوب شود، دستور بازداشت تحت امانت صادر کنند (Jafari & Asadi, 2018). این دستور غالباً برای مدت نامحدود و تا زمانی که ضرورت درمان وجود داشته باشد ادامه می‌یابد (van Kempen, 2014).

تعریف و ماهیت TBS بر مبنای ترکیبی از تدابیر کیفری و درمانی استوار است. فردی که تحت این دستور قرار می‌گیرد در مراکز ویژه روان‌پزشکی نگهداری می‌شود و برنامه‌های درمانی متناسب با وضعیت او اجرا می‌گردد (Ashworth, 2010). این مراکز نه تنها از لحاظ امنیتی مجهز هستند بلکه از لحاظ امکانات درمانی نیز در سطح بالایی قرار دارند تا امکان بازپروری فرد فراهم شود (Hodgson, 2005). هزینه‌های این نوع بازداشت عمدتاً بر عهده دولت است و نشان‌دهنده نگاه حمایتی نظام حقوقی هلند به افراد مبتلا به اختلالات روانی است (Zappalà, 2003).

اختیارات دادگاه در صدور دستور TBS گسترده اما در عین حال تحت کنترل است. دادگاه تنها زمانی می‌تواند این دستور را صادر کند که ارزیابی‌های پزشکی معتبر نشان دهد فرد دارای اختلال روانی است و آزادی او خطر جدی برای جامعه ایجاد می‌کند (Roberts & Zuckerman, 2010). همچنین، دادگاه موظف است به صورت دوره‌ای وضعیت فرد را بررسی کند و در صورت احراز بهبود، امکان آزادی یا جایگزینی تدابیر دیگر را فراهم آورد (European Court of Human Rights, 2012). این رویکرد مانع از آن می‌شود که TBS به مجازاتی دائمی و غیرقابل بازگشت تبدیل شود (Ashuri, 2010).

ارتباط بازداشت تحت دستور امانت با ضرورت درمان نشان می‌دهد که نظام کیفری هلند به جای رویکرد صرفاً تنبیهی، رویکردی درمان‌محور اتخاذ کرده است. این رویکرد از منظر حقوق بشر اهمیت فراوان دارد، زیرا به جای سلب آزادی بی‌ضابطه، به بهبود شرایط فرد و بازگشت او به جامعه می‌اندیشد (Fenwick, 2002). در واقع، فلسفه TBS این است که فرد خطرناک نه صرفاً به عنوان مجرم بلکه به عنوان بیماری که نیازمند درمان است، دیده شود (Tabasi, 2003).

مدت بازداشت تحت دستور امانت در ابتدا دو سال تعیین می‌شود اما دادگاه می‌تواند آن را بر اساس ارزیابی‌های پزشکی تمدید کند

در مجموع، بازداشت تحت نظر در حقوق هلند، چه در شکل سنتی و چه در قالب TBS، نهادی است که بر اساس اصول حقوق بشر اروپایی و با هدف ایجاد تعادل میان امنیت عمومی و حقوق فردی طراحی شده است. این نهاد علاوه بر تضمین امنیت، نقش اصلاحی و درمانی نیز ایفا می‌کند و به همین دلیل در ادبیات حقوقی به عنوان یکی از پیشرفته‌ترین نظام‌های بازداشت در اروپا شناخته می‌شود (Beijer & van Swaaningen, 2011). بررسی این تجربه می‌تواند برای کشورهایی همچون ایران که همچنان با چالش‌های متعدد در حوزه بازداشت تحت نظر مواجه‌اند، الگو و الهام‌بخش اصلاحات قانونی باشد.

مطالعه تطبیقی

در نهایت بر اصل مشترک منع بازداشت خودسرانه تأکید دارند (Jafari & Asadi, 2018).

با وجود این شباهت‌ها، تفاوت‌های قابل توجهی میان اجرای بازداشت در دو کشور مشاهده می‌شود. در ایران، ضابطان دادگستری نقش گسترده‌ای در صدور دستور تحت نظر دارند و مقام قضایی غالباً در مراحل بعدی وارد نظارت می‌شود (Tadayyon, 2015). این در حالی است که در هلند، حتی کوتاه‌ترین بازداشت نیز باید تحت کنترل سریع مقام قضایی قرار گیرد و پلیس صرفاً اختیار اولیه دارد (Beijer & van Swaaningen, 2011). از نظر مدت زمان، قوانین ایران حداکثر ۲۴ ساعت را برای تحت نظر بودن پیش‌بینی کرده‌اند و امکان تمدید آن با اجازه مقام قضایی وجود دارد (Habibzadeh, 2013)، در حالی که در هلند این مدت در ابتدا به ۶ ساعت محدود می‌شود و تنها در جرایم خاص تا ۹ ساعت قابل تمدید است و پس از آن باید تصمیم قضایی اتخاذ شود (van Kempen, 2014). این تفاوت نشان‌دهنده سخت‌گیری بیشتر نظام حقوقی هلند در محدود کردن زمان بازداشت است (Bradley, 2015). نقش قاضی نیز در دو کشور متفاوت است. در ایران، قاضی پس از گذشت مدت اولیه تحت نظر وارد عمل می‌شود و ادامه بازداشت را کنترل می‌کند (Ashuri & Sepehri, 2015). اما در هلند، حضور قاضی از همان مراحل نخستین الزامی است و این امر مانع از آن می‌شود که متهم بدون نظارت قضایی حتی برای مدت کوتاهی در اختیار پلیس باقی بماند (Kilkelly, 2003). از نظر حقوق متهم، قوانین ایران هرچند در سال‌های اخیر پیشرفت‌هایی داشته‌اند، همچنان در عمل با چالش‌هایی مواجه‌اند؛ به ویژه در زمینه دسترسی سریع به وکیل و رعایت حق سکوت (Mohammadi, 2008). در مقابل، در هلند این حقوق به طور جدی تضمین شده و حضور وکیل از بدو بازداشت عملی و الزامی است (Hodgson, 2005).

بررسی تطبیقی بازداشت تحت نظر در حقوق ایران و هلند نشان می‌دهد که با وجود تفاوت‌های بنیادین در مبانی نظری و چارچوب‌های قانونی، شباهت‌های قابل توجهی میان این دو نظام حقوقی وجود دارد. نخستین شباهت در اهداف بازداشت است؛ در هر دو کشور، بازداشت تحت نظر به عنوان ابزاری موقت برای تأمین امنیت اجتماعی و فراهم کردن امکان انجام تحقیقات مقدماتی طراحی شده است (Amani, 2003). در ایران، فلسفه اصلی این نهاد مبتنی بر ضرورت حفظ نظم عمومی و پیشگیری از تبانی یا فرار متهم است (Ashuri, 2010)، در حالی که در هلند نیز همین اهداف مورد تأکید قرار گرفته و بازداشت تحت نظر عمدتاً برای جلوگیری از اختفای دلایل یا تهدید امنیت عمومی به کار می‌رود (Beijer & van Swaaningen, 2011). همچنین، در هر دو کشور تأکید شده است که بازداشت تحت نظر باید با شرایط قانونی مشخص و تحت نظارت مقام قضایی اعمال گردد (Khaleghi, 2013). این نکته نشان می‌دهد که اگرچه ریشه‌های حقوقی متفاوتی وجود دارد، اما در عمل هر دو نظام حقوقی تلاش کرده‌اند تا این اقدام را محدود به اهداف مشخص کنند (Ashworth, 2010).

از نظر مبانی حقوقی نیز شباهت‌هایی وجود دارد. در ایران، بازداشت تحت نظر مستند به اصول قانون اساسی به ویژه اصل ۳۲ و ۳۷ و همچنین قواعد فقهی همچون قاعده لاضرر است (Tabasi, 2003). در هلند نیز این نهاد مستند به قوانین کیفری داخلی و الزامات کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است (European Court of Human Rights, 2012). هر دو نظام حقوقی بر این اصل تأکید دارند که بازداشت بدون دلیل موجه و بدون حکم قانونی معتبر، ناقض آزادی فردی است و باید از آن اجتناب شود (Fenwick, 2002). در نتیجه می‌توان گفت که مبانی نظری بازداشت تحت نظر در ایران و هلند اگرچه از دو منبع متفاوت یعنی فقه اسلامی و حقوق اروپایی سرچشمه می‌گیرند، اما

متهم گزارش می‌شود که کارآمدی نظام در رعایت آزادی‌های فردی را زیر سؤال می‌برد (Mozenzadegan, 2001). در عین حال، این نظام در حفظ امنیت عمومی و امکان تعقیب مؤثر مجرمان عملکرد مناسبی داشته است (Ardabili, 2004). در هلند، به دلیل سخت‌گیری‌های قانونی و نظارت قضایی قوی، نقض آزادی فردی کمتر رخ می‌دهد و همین امر موجب افزایش اعتماد عمومی به نظام کیفری شده است (Klaming & Giesen, 2009). با این حال، چالش اصلی در این کشور مدیریت هزینه‌های بالای نظام بازداشت و مراکز درمانی مرتبط با TBS است (Zappalà, 2003).

بررسی نقاط قوت و ضعف هر کشور در تطبیق با استانداردهای حقوق بشری نیز تصویر روشن‌تری از وضعیت ارائه می‌دهد. در ایران، نقطه قوت اصلی وجود مبانی فقهی غنی است که همواره بر عدالت و منع ظلم تأکید دارد (Tabasi, 2003). همچنین اصلاحات قانونی اخیر به ویژه در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، گامی مثبت در جهت همسویی با معیارهای بین‌المللی محسوب می‌شود (Tadayyon & Moradi, 2015). اما ضعف عمده، فاصله میان مقررات قانونی و اجرای عملی آن‌هاست که موجب بروز مواردی از نقض حقوق متهم می‌شود (Heidari, 2015). در هلند، نقطه قوت اصلی تطبیق کامل با استانداردهای کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و وجود سازوکارهای جایگزین بازداشت است (van Kempen, 2014). در عین حال، ضعف اصلی به استفاده طولانی‌مدت از TBS بازمی‌گردد که می‌تواند در مواردی به نوعی محرومیت نامحدود از آزادی منجر شود (Bradley, 2015).

در نهایت می‌توان گفت که بازداشت تحت نظر در ایران و هلند اگرچه بر مبانی حقوقی و فلسفی متفاوتی استوار است، اما هر دو نظام تلاش کرده‌اند تا اصول بنیادین آزادی فردی و امنیت اجتماعی را توأمان رعایت کنند. مقایسه این دو کشور نشان می‌دهد که ایران

تفاوت دیگر به نحوه برخورد با متهمانی که مشکلات روانی دارند بازمی‌گردد. در ایران، چنین شرایطی عمدتاً در چارچوب ارزیابی‌های پزشکی قانونی بررسی می‌شود و تأثیری مستقیم بر نوع بازداشت ندارد (Dehghan, 2017). اما در هلند، نهاد بازداشت تحت دستور امانت یا TBS طراحی شده است که مستقیماً بر درمان و بازپروری متهمان مبتلا به اختلالات روانی تمرکز دارد (Clark, 2004). این نهاد که ریشه در رویکردهای اجتماعی و درمانی دارد، نشان‌دهنده نگاه متفاوت حقوق اروپایی به بازداشت است که علاوه بر اهداف کیفری، به ملاحظات انسانی و درمانی نیز توجه دارد (Beijer & van Swaaningen, 2011).

تأثیر نظام‌های حقوقی متفاوت بر مقررات بازداشت نیز قابل مشاهده است. در ایران، با توجه به اینکه نظام حقوقی بر مبانی اسلامی استوار است، بسیاری از مقررات بازداشت تحت نظر بر پایه اصول فقهی شکل گرفته‌اند. اصل برائت در فقه اسلامی بر عدم بازداشت بی‌مورد تأکید دارد اما در عین حال، اصل «حفظ نظام» و ضرورت جلوگیری از فساد اجتماعی، امکان بازداشت موقت را توجیه می‌کند (Jafari & Asadi, 2018). در مقابل، در نظام حقوقی هلند که مبتنی بر اصول لیبرال و سکولار اروپاست، تأکید اصلی بر حقوق فردی و آزادی‌های مدنی است و هرگونه محدودیت باید با معیارهای حقوق بشری اروپایی سازگار باشد (Ashworth, 2010). در نتیجه، تفاوت در مبانی فلسفی دو نظام حقوقی موجب شده است که بازداشت در ایران بیشتر رویکرد امنیتی و انتظامی داشته باشد، در حالی که در هلند رویکرد حمایتی و درمانی نیز پررنگ است (Damaska, 1997).

از منظر کارآمدی، هر دو نظام تلاش کرده‌اند تا میان امنیت اجتماعی و آزادی فردی تعادل ایجاد کنند، اما در عمل این تعادل به گونه‌ای متفاوت تحقق یافته است. در ایران، با وجود اصلاحات اخیر، همچنان مواردی از بازداشت‌های طولانی و نقض حقوق

نیازمند تقویت ضمانت‌های اجرایی و کاهش فاصله میان قانون و عمل است، در حالی که هلند باید میان ضرورت‌های درمانی TBS و حقوق بنیادین آزادی فردی توازن بیشتری برقرار کند.

نتیجه‌گیری

بازداشت تحت نظر به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای سلب آزادی در فرایند دادرسی کیفری، جایگاهی اساسی در تعادل میان حقوق فردی و امنیت اجتماعی دارد. بررسی تطبیقی این نهاد در حقوق ایران و هلند نشان داد که اگرچه هر دو نظام حقوقی بر اصل ضرورت محدودسازی بازداشت تأکید دارند، اما شیوه‌های تحقق این اصل و مبانی نظری آن متفاوت است. این تفاوت‌ها نه تنها ناشی از ساختار حقوقی و فلسفی دو کشور است بلکه بازتابی از شرایط فرهنگی، اجتماعی و تاریخی آنان نیز به شمار می‌آید.

در ایران، بازداشت تحت نظر بر پایه اصول فقهی و مبانی اسلامی طراحی شده است. اصل برائت و قاعده لاضرر به‌طور بنیادین بر محدود بودن بازداشت تأکید دارند، اما در عین حال ضرورت‌های حفظ نظام و جلوگیری از فساد اجتماعی به قانونگذار اجازه داده‌اند تا شرایطی را برای اعمال بازداشت موقت یا تحت نظر پیش‌بینی کند. از این رو، در نظام ایران رویکردی دوگانه به چشم می‌خورد؛ از یک سو تمایل به حمایت از حقوق فردی و از سوی دیگر، توجه به امنیت و نظم عمومی. این دوگانه در قوانین اخیر آیین دادرسی کیفری به خوبی نمایان است؛ به‌ویژه در مقرراتی که برای نخستین بار حقوقی همچون حق دسترسی به وکیل و اطلاع خانواده در مرحله تحت نظر را تصریح کرده‌اند.

در مقابل، در هلند مبنای حقوقی بازداشت بر اصول لیبرال و سکولار حقوق اروپایی استوار است. تأکید اصلی در این کشور بر صیانت از آزادی‌های فردی و انطباق کامل با استانداردهای کنوانسیون اروپایی حقوق بشر قرار دارد. در نتیجه، بازداشت تحت نظر در هلند از همان لحظه نخست با نظارت قضایی همراه است و مدت آن بسیار کوتاه‌تر از ایران تعیین شده است. علاوه بر آن،

نظام حقوقی هلند با طراحی نهادهای جایگزین مانند آزادی با نظارت قضایی، وثیقه یا استفاده از نظارت الکترونیکی، تلاش کرده است بازداشت را به استثنایی‌ترین شکل ممکن درآورد. این تنوع ابزارهای جایگزین سبب شده است که نقض آزادی فردی به حداقل برسد و اعتماد عمومی به نظام کیفری افزایش یابد.

یکی از نوآوری‌های ویژه حقوق هلند در مقایسه با ایران، نهاد بازداشت تحت دستور امانت یا TBS است. این نهاد نشان‌دهنده نگاه متفاوت به متهمان خطرناک و مبتلایان به اختلالات روانی است. در حالی که در ایران چنین شرایطی معمولاً در قالب ارزیابی‌های پزشکی قانونی بررسی می‌شود و به‌ندرت تأثیری بر نوع بازداشت دارد، در هلند بازداشت درمان‌محور به عنوان یک تدبیر مستقل پیش‌بینی شده است. این رویکرد به جای تمرکز صرف بر جنبه تنبیهی، به اصلاح و درمان فرد توجه دارد و تلاش می‌کند او را برای بازگشت به جامعه آماده سازد. با وجود این، TBS به دلیل ماهیت شبه‌نامحدود خود می‌تواند زمینه‌ساز نگرانی‌هایی در زمینه محرومیت طولانی‌مدت از آزادی شود.

تفاوت دیگر میان ایران و هلند به نقش قاضی و ضابطان بازمی‌گردد. در ایران ضابطان دادگستری اختیار اولیه گسترده‌ای در صدور دستور تحت نظر دارند و مقام قضایی عمدتاً پس از گذشت مدت اولیه وارد عمل می‌شود. این امر در عمل امکان بروز بازداشت‌های خودسرانه یا طولانی‌تر از حد مقرر را افزایش می‌دهد. در مقابل، در هلند حضور قاضی از همان آغاز بازداشت الزامی است و پلیس صرفاً می‌تواند متهم را برای ساعات محدودی تحت نظر قرار دهد. این نظارت فوری و مداوم از سوی مقام قضایی مهم‌ترین تضمین برای جلوگیری از نقض حقوق متهم محسوب می‌شود.

از منظر حقوق متهم نیز تفاوت‌های قابل توجهی میان دو کشور وجود دارد. در ایران، هرچند قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ حقوقی همچون حق سکوت، دسترسی به وکیل و اطلاع خانواده

نقاط قوت نظام ایران در این زمینه، وجود مبانی فقهی قوی و قوانین نسبتاً روشن است که با اصلاحات اخیر به ویژه در قانون آیین دادرسی کیفری، پیشرفت‌های قابل توجهی داشته است. اما نقطه ضعف اصلی، فاصله میان قانون و اجراست که باعث می‌شود در برخی موارد حقوق متهم به طور کامل رعایت نشود. در مقابل، نقطه قوت نظام هلند اجرای دقیق قوانین و وجود سازوکارهای جایگزین بازداشت است که موجب کاهش نقض آزادی فردی می‌شود. با این حال، استفاده طولانی‌مدت از TBS و هزینه‌های بالای مراکز درمانی وابسته به آن، چالش‌های مهمی برای این کشور ایجاد کرده است.

در نهایت، مطالعه تطبیقی بازداشت تحت نظر در ایران و هلند نشان داد که هر دو نظام حقوقی با وجود تفاوت‌های بنیادین، بر اصل مشترک ضرورت محدودسازی بازداشت و رعایت حقوق متهم تأکید دارند. تجربه هلند می‌تواند الگویی برای ایران در زمینه تقویت ضمانت‌های اجرایی، کاهش وابستگی به بازداشت و توسعه جایگزین‌های آن باشد. در عین حال، ایران می‌تواند با اتکا بر مبانی فقهی و اصول اسلامی، چارچوبی بومی و منطبق با استانداردهای بین‌المللی طراحی کند. مسیر آینده برای هر دو کشور در گروهی ایجاد تعادل پایدار میان امنیت اجتماعی و آزادی فردی است؛ تعادلی که تحقق آن نیازمند اصلاح مستمر قوانین، تقویت نهادهای نظارتی و ارتقای فرهنگ حقوقی جامعه خواهد بود.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The issue of pre-trial detention, particularly the form known as custody under supervision, has long been debated as one of the most sensitive areas of criminal justice because it directly engages the tension between

را پیش‌بینی کرده است، اما در عمل همچنان چالش‌هایی در اجرای این حقوق وجود دارد. گزارش‌های مختلف نشان داده‌اند که در برخی موارد متهمان از دسترسی سریع به وکیل محروم می‌شوند یا اطلاع‌رسانی به خانواده به درستی صورت نمی‌گیرد. در حالی که در هلند، این حقوق نه تنها در سطح قانون بلکه در اجرا نیز تضمین شده‌اند و حضور وکیل از لحظه نخست بازداشت به یک قاعده عملی تبدیل شده است.

از حیث مدت بازداشت نیز اختلاف چشمگیری میان ایران و هلند دیده می‌شود. در ایران، حداکثر مدت تحت نظر ۲۴ ساعت تعیین شده است که با اجازه مقام قضایی قابل تمدید است. در عمل، این مدت در مواردی طولانی‌تر می‌شود و همین موضوع نگرانی‌هایی درباره رعایت اصل منع بازداشت خودسرانه ایجاد کرده است. در مقابل، در هلند مدت بازداشت در آغاز به ۶ ساعت محدود شده و تنها در جرایم خاص تا ۹ ساعت قابل تمدید است. پس از این مدت، ادامه بازداشت منوط به تصمیم دادگاه است. این محدودیت زمانی نشان‌دهنده سخت‌گیری بیشتر در نظام حقوقی هلند برای حفاظت از آزادی فردی است.

بررسی تطبیقی نشان داد که هر دو کشور تلاش کرده‌اند میان ضرورت‌های امنیتی و حقوق فردی تعادل برقرار کنند، اما مسیرهای متفاوتی را برگزیده‌اند. در ایران، رویکرد غالب همچنان امنیت‌محور است و بازداشت تحت نظر بیشتر به عنوان ابزار تأمین نظم عمومی دیده می‌شود. در هلند، رویکرد آزادی‌محور غالب است و بازداشت تنها در شرایطی اعمال می‌شود که هیچ جایگزین دیگری وجود نداشته باشد. این تفاوت ریشه در مبانی فلسفی دو نظام دارد؛ یکی بر پایه فقه اسلامی و اصل حفظ نظام و دیگری بر پایه حقوق بشری اروپایی و اصل آزادی فردی.

individual liberty and the collective need for public order. In both Islamic and European contexts, the regulation of detention has been shaped by deep historical, philosophical, and normative considerations, reflecting different

but sometimes overlapping traditions of law and governance. In Iran, the institution of custody under supervision finds its roots in Islamic jurisprudence and the principles of Sharia that allow for temporary restriction of freedom in order to preserve the social order and prevent harm (Jafari & Asadi, 2018; Tabasi, 2003). These principles are balanced against foundational constitutional guarantees such as the presumption of innocence and the prohibition of arbitrary arrest, which are codified in legislative reforms over the past decades (Ashuri, 2010; Khaleghi, 2013). In the Netherlands, by contrast, the practice of pre-trial detention has evolved within the framework of continental European law and the supranational standards of the European Convention on Human Rights, where Article 5 enshrines the right to liberty and sets strict conditions for any deprivation of freedom (European Court of Human Rights, 2012; Kilkelly, 2003). Despite their divergent legal and cultural origins, both systems grapple with the same core dilemma: how to craft rules that respect human dignity and due process while providing law enforcement with tools sufficient to ensure justice and security (Ashworth, 2010; Bradley, 2015).

The theoretical underpinnings of detention in these jurisdictions reflect both convergence and divergence. On one hand, the Islamic perspective emphasizes the principle of *darura* (necessity) and *maslaha* (public interest) as justifications for restricting liberty, with jurists elaborating on the proportionality of measures taken during investigations (Amani, 2003; Mozenzadegan, 2001). In practice, this has resulted in legal doctrines that permit short-term detention under supervision where there is strong suspicion of criminal conduct, provided that judicial review follows within a specified timeframe (Tadayyon, 2015). On the other hand, European jurisprudence emphasizes strict legality, proportionality, and necessity,

requiring states to demonstrate convincingly that no alternative to detention is feasible (Fenwick, 2002; Roberts & Zuckerman, 2010). This approach is reinforced by the case law of the European Court of Human Rights, which has consistently required national courts to show that less intrusive alternatives such as bail, reporting duties, or electronic monitoring were considered before authorizing pre-trial detention (Beijer & van Swaaningen, 2011; Clark, 2004). Both traditions converge, however, on the idea that detention is exceptional rather than routine, a principle echoed in the academic literature across jurisdictions (Duff et al., 2007; Harding, 1992). Theoretical debates thus reveal a shared recognition of detention as a necessary evil, one that must be carefully circumscribed to avoid abuse.

From a practical standpoint, the Iranian and Dutch systems display significant differences in terms of procedure, duration, and safeguards, even while they share overarching goals. In Iran, law enforcement officers, as judicial police, retain wide authority to place suspects under supervision pending judicial approval, with statutory limits generally set at 24 hours before the judiciary must intervene (Habibzadeh, 2013; Heidari, 2015). In reality, the gap between legal norms and practice has sometimes led to excessive reliance on custody as a routine investigative measure, highlighting structural weaknesses in the enforcement of safeguards (Mohammadi, 2008). In the Netherlands, by contrast, police powers are far more limited, and judicial authorities assume immediate and central responsibility for authorizing any form of detention. The initial police custody is capped at a few hours, after which an independent magistrate must either release the suspect or issue a judicial order for continued detention (Beijer & van Swaaningen, 2011; van Kempen, 2014). This procedural architecture reflects the Dutch commitment to embedding judicial

oversight at the earliest stages, a feature largely shaped by the demands of European human rights jurisprudence (Zappalà, 2003). Yet, both systems show awareness of the risks posed by arbitrary detention and have developed normative tools, albeit through different traditions, to contain them (Ardabili, 2004; Ashuri & Sepehri, 2015).

Another area of comparative interest lies in the articulation of the rights of the accused during the period of custody under supervision. In Iran, reforms in the Code of Criminal Procedure have explicitly recognized rights such as the right to counsel, the right to silence, and the right of the family to be informed of the detention (Dehghan, 2017; Tadayyon & Moradi, 2015). However, the implementation of these rights continues to face challenges, with legal scholars noting the persistence of practices where suspects are denied timely access to lawyers or subjected to extended interrogations without adequate judicial control (Amani, 2003; Ashuri, 2010). In the Netherlands, these rights are firmly entrenched and practically guaranteed, with suspects typically granted immediate access to legal counsel and medical examination if required (Hodgson, 2005; Klaming & Giesen, 2009). Furthermore, Dutch law obliges authorities to justify the necessity of detention not only at the initial stage but throughout its continuation, with regular judicial reviews that assess whether the deprivation of liberty remains proportionate (Beijer & van Swaaningen, 2011; Bradley, 2015). This contrast underscores how institutional capacity, judicial independence, and the broader legal culture influence the realization of statutory rights in practice (Ashworth, 2010; Clark, 2004).

The influence of broader legal systems also becomes apparent when comparing detention practices in Iran and the Netherlands. In Iran, the Islamic legal heritage shapes not only substantive criminal law but also procedural

rules, embedding detention within a broader framework of moral and religious values (Jafari & Asadi, 2018; Tabatabaei Motameni, 1996). The emphasis on maintaining social order and preventing harm reflects a communitarian perspective in which the preservation of the collective sometimes justifies restrictions on the individual (Ardabili, 2004). By contrast, in the Netherlands, the liberal democratic ethos and supranational European standards prioritize individual freedoms, seeing detention as an exception justified only by compelling state interests (European Court of Human Rights, 2012; Kilkelly, 2003). The Dutch approach has also been shaped by innovations such as the TBS measure, which links detention to treatment and rehabilitation of offenders with psychiatric conditions, reflecting a hybrid between security concerns and welfare policies (Clark, 2004; van Kempen, 2014). These systemic differences explain why similar challenges—such as balancing liberty with public security—produce divergent institutional solutions across the two jurisdictions (Ashuri & Sepehri, 2015; Beijer & van Swaaningen, 2011).

In assessing the effectiveness of these regimes, both strengths and weaknesses emerge. Iran's legal framework provides clear statutory bases for detention and draws upon a deep reservoir of Islamic legal principles that stress fairness and proportionality, offering normative tools for the protection of the accused (Amani, 2003; Tabasi, 2003). Yet, the enforcement gap remains a critical weakness, as the distance between legislative guarantees and actual practice often results in prolonged or unlawful detentions (Heidari, 2015; Mohammadi, 2008). The Netherlands, on the other hand, demonstrates a high degree of compliance with human rights standards and effective judicial oversight mechanisms, fostering public trust in the justice system (Beijer & van Swaaningen, 2011; Fenwick, 2002).

Nevertheless, its reliance on costly detention alternatives and the indefinite character of the TBS measure have sparked debates about proportionality and sustainability (Bradley, 2015; Zappalà, 2003). Thus, while both systems aspire to balance liberty and security, they face different trade-offs: Iran struggles with implementation and oversight, while the Netherlands grapples with the financial and ethical complexities of its advanced custodial structures.

Ultimately, the comparative study of custody under supervision in Iran and the Netherlands highlights the importance of context in shaping legal institutions. Both jurisdictions converge on the principle that detention must be exceptional, temporary, and subject to judicial control, yet their pathways toward operationalizing this principle diverge due to differences in religious, philosophical, and supranational influences. The Iranian model illustrates the enduring impact of Islamic jurisprudence and the challenges of bridging legislative ideals with institutional realities, while the Dutch model exemplifies the integration of national law into a broader European human rights regime that prioritizes procedural guarantees and individualized justice. By analyzing their similarities and differences, valuable lessons can be drawn for legal reform: Iran may benefit from strengthening its oversight mechanisms and narrowing the enforcement gap, whereas the Netherlands might reflect on the proportionality of long-term measures such as TBS. The broader implication is that no single model of detention can be transplanted wholesale; rather, each system must calibrate its legal instruments to reflect both universal standards of human rights and the specific cultural and institutional realities of its society.

References

- Amani, R. (2003). Preventive Detention in Iranian Law. *Journal of Legal Studies*, 18(2), 75-98.
- Ardabili, M. A. (2004). *General Criminal Law*. Mizan.
- Ashuri, M. (2010). *Criminal Procedure Law*. SAMT.
- Ashuri, M., & Sepehri, G. (2015). *Innovations in the Criminal Procedure Law of 2013*. SAMT.
- Ashworth, A. (2010). *Human Rights, Serious Crime and Criminal Procedure*. Oxford University Press.
- Beijer, A., & van Swaaningen, R. (2011). Pre-trial Detention in the Netherlands. *European Journal of Criminology*, 8(2), 123-140.
- Bradley, C. (2015). Due Process and Preventive Detention. *Yale Law Journal*, 124(3), 687-715.
- Clark, R. (2004). *International Criminal Justice: The ICC and Pre-trial Detention*. Cambridge University Press.
- Damaska, M. (1997). *Evidence Law Adrift*. Yale University Press.
- Dehghan, N. (2017). Comparative Study of Preventive Detention in Iran and France. *Comparative Law Review*, 12(1), 101-120.
- Duff, A., Farmer, L., Marshall, S., & Tadros, V. (2007). *The Trial on Trial: Volume 3*. Hart Publishing.
- European Court of Human Rights. (2012). *Case Law on Article 5 ECHR: Right to Liberty and Security*. Council of Europe.
- Fenwick, H. (2002). *Civil Liberties and Human Rights*. Routledge.
- Habibzadeh, J. (2013). *The Rights of the Accused in Criminal Procedure*. Mizan.
- Harding, C. (1992). Pre-trial Detention and European Human Rights. *Criminal Law Review*, 45(2), 115-133.
- Heidari, E. (2015). Defensive Rights of the Accused during Detention in Iran and England. *Journal of Criminal Law Research*, 9(2), 25-44.
- Hodgson, J. (2005). *French Criminal Justice: A Comparative Account of Investigation and Prosecution*. Oxford University Press.
- Jafari, S. J., & Asadi, M. (2018). Preventive Detention in Islamic Jurisprudence. *Journal of Islamic Law Studies*, 12(1), 1-20.
- Khaleghi, A. (2013). *Criminal Procedure Law*. Mizan.
- Kilkelly, U. (2003). The Right to Liberty under Article 5 ECHR. *Human Rights Law Review*, 3(2), 115-145.
- Klaming, L., & Giesen, I. (2009). Access to Justice in the Netherlands. *Utrecht Law Review*, 5(2), 3-22.
- Mohammadi, M. (2008). Review of Custody under Supervision in Iranian Criminal Procedure. *Journal of Legal Research*, 14(3), 145-170.
- Mozenzadegan, M. (2001). Preventive Detention in International Human Rights Instruments. *Journal of Human Rights*, 5(1), 120-140.
- Roberts, P., & Zuckerman, A. (2010). *Criminal Evidence*. Oxford University Press.

- Tabasi, A. (2003). Jurisprudential Rules of Detention. *Journal of Fiqh and Islamic Law*, 8(2), 150-170.
- Tabatabaei Motameni, M. J. (1996). *Constitutional Law and Public Freedoms*. University of Tehran Press.
- Tadayyon, M. (2015). Analysis of Detention under Supervision in Iranian Criminal Procedure. *Judiciary Law Journal*, 36(3), 211-230.
- Tadayyon, M., & Moradi, A. (2015). Distinction between Judgments and Orders in Iranian Criminal Procedure. *Legal Journal*, 22(1), 55-78.
- van Kempen, P. H. (2014). Pre-trial Detention in the Netherlands: Practices and Reforms. *Utrecht Journal of International and European Law*, 30(79), 44-58.
- Zappalà, S. (2003). *Human Rights in International Criminal Proceedings*. Oxford University Press.